

متن پرسش

سلام: به نظرم در پاسخ به پرسش ۱۴۸۰۱ دقت کافی صورت نگرفته است. استاد طاهرزاده شرط مجتهد بودن را مطرح می‌کنند برای قاضی و آن را مویدی برای عادلانه بودن قانون و امکان تحقق عدالت در این دنیا که محل اشکال واقع شده است عنوان می‌کنند قاضی تنها کارش این است که با شواهد و ادله ای که بنابر ظاهر امر بدست می‌آورد عمل متهم را تطبیق دهد بر یکی از احکام از پیش تعیین شده. یعنی مجازات اعمال مشخص است مثلاً مجازات سرقت زنا و... که قاضی در این امور اجتهاد نمی‌کند بلکه قوه ی اجتهادش به این معناست که احکام مندرج در قانون را می‌شناسد. که البته ربطی به اشکال مطرح شده ندارد. در ثانی مستشکل عنوان می‌کند که در یک معنا قوانین عادلانه اند و آن یعنی روی هم رفته اعمال قانون بهتر از عدم اعمال قانون است، و اصل اشکال ایشان این است که در این عالم عدالت محقق نمی‌شود و شما می‌فرمایید شارع الهی چون نظر به کلیت وجود بشری دارد پس اجرای شریعت در این عالم عین عدالت است، که به راحتی می‌توان گفت این گونه نیست چون چه بسا مجتهد با ادله ظاهری بر مجازات فردی حکم کند که در واقع مجرم نیست، بلکه باید گفت بالاخره اگر در این عالم بر فرد ایکس ظلم شود توسط حتی قاضی عادل در آن عالم جبران می‌شود و این هم جواب اشکال مستشکل نیست، (چون ایشان عدم امکان تحقق عدالت این دنیایی را مورد مناقشه قرار می‌دهند) چون قاضی مجتهد با بررسی تمامی ادله به این حکم رسیده و شارع هم در عالم دنیا حکم او را نافذ می‌داند و متهم به اعدام محکوم می‌شود اما قتلی انجام نداده نمی‌توان گفت که به به عدالت اجرا شد. به نظرم نحوی اشعری‌گری در پاسخ به سوال دیده می‌شود که البته ناخودآگاه بوده. یا حق

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عنایت داشته باشید ما در همه‌ی امور بر اساس ظرفیت این عالم موضوعات را دنبال می‌کنیم و در این رابطه شریعت الهی بهترین راه است، در عین آن‌که این عالم محدودیت‌های خود را دارد، نه آن‌که عالم ظرفیت بیشتری برای تحقق عدالت داشته باشد و شریعت الهی از آن کوتاه آمده باشد. به همین جهت بحث «تقدیرات الهی» پیش می‌آید که مثلاً قاضی مطابق تشخیص خود حکمی کرد که مطابق واقع نبود و او در حدّ خود برای احقاق حقیقت تلاش کرد و موفق نشد، معتقدیم تقدیر الهی برای آن فرد همان بوده است. موفق باشید